



بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت اول ماه مه

## زنده باد همبستگی و رزم مشترک کارگران سراسر جهان

۴

### خامنه ای در برزخ مذاکرات احیای برجام

مخالفت‌هایی در لایه‌هایی از درون حاکمیت دو کشور است که هر کدام از دولت های ایران و آمریکا با آن مواجه شده اند. ایجاد موانع و مخالفت خوانی های پنهان و آشکار با روند مذاکرات احیای توافق برجام، در درون هیات حاکمه ایران، دست کم به حدی رسیده است که خامنه ای را بر آن داشته تا با دفاع و حمایت از رئیسی و تیم مذاکره کننده او بتواند صدای مخالفت های رو به رشد روند مذاکرات وین را تا حد ممکن مهار یا کم رنگ کند. موانع و مشکلاتی که تا این لحظه نه تنها پیشروی مذاکرات برجام را متوقف کرده اند، بلکه خامنه ای را نیز در برزخ دو راهی تصمیم گیری قرار داده است.

در صفحه ۸

### سیاست‌های راسیستی جمهوری اسلامی علیه پناهنجویان ستم‌دیده افغان

خونی‌ست و نه مانند داعشیان شعاری سرداد، قاتل باشد. همچنین در مورد تبار ازبک و سنی بودن یا هزاره و شیعه بودن آن اخبار متناقضی منتشر شده است. اصرار مقامات بالای جمهوری اسلامی درست بعد از حادثه بر "تکفیری" بودن "قاتل"، آن هم در حالی که هیچ تحقیقاتی صورت نگرفته بود، دلیل دیگری بر ساختگی بودن اخبار جمهوری اسلامی و در نتیجه عدم اعتماد به گزارش‌ها و اخبار منتشر شده از سوی رژیم است.

در صفحه ۳

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست  
به مناسبت اول ماه مه ۲۰۲۲ (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر

در صفحه ۶



"ما کارگران آهیم،  
ریشه ظلم رو می‌کنیم!"

اخیراً کارت ورود نزدیک به ۳۰ تن از کارگران گروه ملی فولاد مسدود شده است. این گروه از کارگران همگی جزء کارگرانی هستند که در تجمعات و اعتراضات مکرر فولاد از جمله اعتراض نسبت به عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، اعتراض به مدیریت و عملکرد آن و مافیای فولاد، شرکت داشته و در طرح مطالبات کارگران فولاد نقشی فعال و پیشتاز داشته‌اند. کریم سیاحی، مصطفی عیبات، علی الاهیفر، حسین داودی، علی نادری و مهدی نگرایی از جمله این کارگران هستند. تعداد کارگران فولاد که کارت ورودشان مسدود شده بیشتر از این است که اسامی دقیق آن‌ها هنوز مشخص نشده است. روز شنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۰ کارگران فولاد در دفاع از همکاران خود و در اعتراض به این اقدام مدیریت، در مقابل استانداری خوزستان دست به تجمع زدند. اگرچه این تجمع مورد هجوم وحشیانه نیروهای انتظامی قرار گرفت، اما کارگران فولاد روز ۲۸ فروردین نیز در همین محل تجمع اعتراضی برپا کردند. بدون شک مبارزه کارگران فولاد در روزهای بعد نیز ادامه خواهد یافت.

مدیریت شرکت و حامیان و همدستان مدیریت در دستگاه امنیتی و قضایی، سیاست اعمال فشار و تهدید علیه کارگران فولاد را تشدید نموده‌اند. آن‌ها که در برابر اتحاد کارگران فولاد و اراده استوارشان به ادامه مبارزه مات و مبهوت شده‌اند، به‌قصد انتقام‌جویی از کارگران پیشرو و برای مرعوب ساختن سایر کارگران به این تاکتیک متوسل شده‌اند و در این خیال خام به سر می‌برند که با مسدود ساختن کارت تعدادی از کارگران می‌توانند کارگران فولاد را از ادامه مبارزه بازدارند. تشدید فشار و ارباب و سرکوب البته سیاست جدیدی نیست. در سال‌های گذشته نیز کارگران فولاد بارها و بارها مورد

در صفحه ۲

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

## "ما کارگران آهنیم، ریشه ظلم رو می‌کنیم!"



آن سلطه مافیای فولاد با هماهنگی دولت و در عین حال رقابت میان سرمایه‌داران برای بلعیدن گروه ملی فولاد است. کارگران فولاد نسبت به بکسل ساختار مدیریتی شرکت اعتراض دارند. از این‌روست که اکنون افزون بر خواست‌های قبلی از جمله تعیین تکلیف شرکت، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، افزایش مزد، استمرار تأمین مواد اولیه، ترمیم خطوط، تضمین ادامه کاری شرکت، پایان فشارها و پرونده‌سازی‌های امنیتی و باز کردن کارت همکاران خویش، خواهان خروج شرکت از دست بانک ملی و الحاق آن به بدنه دولت و اداره‌ی مستقیم آن توسط دولت هستند. واقعیت این است که هم مدیریت، هم سرمایه‌داران و هم دولت که سر در یک آخور دارند در مقابل کارگران هستند. مشکل کارگران بدین اعتبار فقط مدیریت نیست بلکه کل طبقه حاکم است. طی چند ماه اخیر گروه مدیریتی فولاد تعدادی از کارگران پروژه‌های شرکت "شفق" را در فولاد به کار گرفته با این هدف مذبح‌خانه که میان کارگران تفرقه و دودستگی ایجاد کند. اما کارگران آگاه و هوشیار فولاد ضمن حمایت از این گروه کارگران، خواهان جذب این نیروها و انعقاد قرارداد با گروه ملی فولاد شده‌اند و این ترفند مدیریت را نیز خنثی ساخته‌اند.

کارگران فولاد را که در کوره مبارزه طبقاتی چندین ساله آبدیده شده و تجربه آندوخته‌اند، نه می‌توان با تعویض و تغییر گروه‌های مدیریتی یا وعده‌ها پوچ فریب داد و نه می‌توان با تشدید سیاست ارباب و فشار آنان را مرعوب ساخت و از ادامه مبارزه بازداشت. گروه مدیریت جدید و تمام باندها و دولت حامی آن باید مطمئن باشند که کارگران آگاه و مبارز فولاد، حتی یک‌لحظه در دفاع و حمایت از رفقای همکار خویش غافل نخواهند شد. کارفرما و مدیران فولاد این را بایستی فهمیده باشند هرآینه جرئت کرده‌اند علیه کارگران تعرضی را سازمان دهند، با تعرضی بکندست و منقابل از سوی کارگران روبرو شده‌اند. مبارزات کارگران فولاد در طی بیش از یک دهه اخیر بارها این موضوع را ثابت کرده است. کارگران گروه ملی فولاد در زمره متحدترین، یکپارچه‌ترین و همبسته‌ترین کارگران‌اند. با همین اتحاد و همبستگی کم‌نظیر و برجسته به رویارویی با تعرضات مدیریت برخاسته و در دفاع از رفقای خود هرگز تردیدی به خو راه نداده و حتی یک‌قدم عقب ننشسته‌اند. کارفرما و مدیریت جدید باید بدانند که با کارگران آگاه و هوشیار فولاد سروکار دارند. کارگرانی که در پی‌چوخ مبارزه طبقاتی برای ریشه‌کنی ظلم و ستم و استثمار صیقل یافته و چون کوه و آهن سخت و محکم و بی‌تزلزل ایستاده‌اند و مگر نه این‌که خود پیش‌از این اعلام کرده‌اند "ما کارگران آهنیم، ریشه ظلم رو می‌کنیم!"

در میان کارگران تفرقه انداخته و مانع تجمع اعتراضی و تظاهرات خیابانی کارگران شوند. اما این تلاش‌ها و تهدیدات تلفنی دستگاه امنیتی و خطر احضار و بازداشت و زندان، نتوانست کارگران متحد را از تجمع و اعتراض خیابانی بازدارد. این بار نیز البته در کمال سراسیمگی، (نادر جعفر یوسفی) جای خود را به علی محمدی به‌عنوان سرپرست گروه ملی فولاد سپرد.

از جابجایی مدیرعامل نه‌فقط ابی برای کارگران گرم نشد و فرار هم نبود چنین شود، بلکه تهدید و فشار علیه کارگران به‌ویژه کارگران پیشرو تشدید شد. سرپرست گروه ملی فولاد نه‌فقط به سبک و سیاق سلف خود، همراه از حقوق کارگران زده و مبالغی را بالا کشیده است بلکه شمشیر از رو بسته، کارت ۳۰ تن از کارگران را نیز مسدود ساخته و علیه آنان به دادگاه شکایت برده است. صرف‌نظر از رقابت میان باندها و مقامات دولتی و بانک ملی و عناصر مؤثر مافیای فولاد برای چنگ‌اندازی بر گروه ملی فولاد، اما تمامی شواهد حاکی از تشدید ارباب و سرکوب و اعمال فشار بر کارگران است. در تمام سال‌هایی که بانک ملی اداره گروه ملی فولاد را بر عهده داشته است، مدیریت این شرکت و تمام عناصر سرسپرده مدیریت، سیاست تشدید فشار بر کارگران و تداوم وضعیت بلاتکلیفی و بی‌آیندگی شرکت و در همان حال دادن وعده‌های پوچ، وقت‌کشی و فرسوده سازی کارگران را ادامه داده‌اند. تمام تلاش مدیریت این بوده است که کارگران و فعالان کارگری فولاد را مرعوب و مأیوس و از میدان مبارزه خارج سازند. مسدود ساختن کارت ۳۰ تن از کارگران پیشرو نیز در واقع ادامه همین سیاست است. کارگران فولاد نسبت به این اقدام ضد کارگری مدیریت و علی‌محمدی سرپرست گروه ملی فولاد به‌شدت معترض هستند. کارگران فولاد خواهان لغو فوری این اقدام شده و هشدار داده‌اند اگر این محدودیت برداشته نشود، به تجمعات خویش در داخل شهر و مقابل استانداری ادامه خواهند داد و اگر نیاز باشد این تجمعات را به مقابل مجلس و دفتر ریاست جمهوری خواهند کشاند.

در عملکرد مدیریت و بانک ملی در تمام طول سالیانی که گروه ملی فولاد زیر نظر آن اداره می‌شده است، حتی یک نقطه خوب و مثبت برای کارگران دیده نمی‌شود.

در بیانی‌ها و مطالبی که در کانال تلگرامی کارگران گروه ملی فولاد انتشار یافته از جمله به این موضوع نیز اشاره شده و گفته شده است که: "تا به امروز هر مسئول و مدیری چه از داخل و چه خارج شرکت که وعده مشکلات شرکت را داده و پا پیش گذاشته بود جز حرکت در مسیر خواسته‌های مافیای بانک ملی و ضربه زدن به کارگر و شرکت گروه ملی، قدم برداشته است". گوش کارگران از وعده‌های پوچ و تکراری و سرخرمن مدیریت پر شده است. مشکل فولاد فقط مدیریت نیست که با جابجایی مدیران حل شود. مشکل بسیار بزرگتر است. کارگران فولاد با وضعیت پیچیده‌ای روبرو هستند که مشخصه

ارباب و تهدید واقع شده‌اند. ده‌ها تن از کارگران احضار و بازداشت و حتی روانه زندان شده‌اند، اما مبارزه در فولاد متوقف نشده است. سال قبل نیز حراست و مدیریت تصمیم داشتند تعداد زیادی از کارگران پیشرو را اخراج کنند. نخست از ورود دو تن از کارگران به شرکت ممانعت به عمل آمد تا در ادامه زمینه اخراج تعداد بیشتری فراهم شود. اما کارگران فولاد متحد و یکپارچه در برابر این اقدام ایستادند، از رفقای خود حمایت کردند، مانع اخراج همکاران خود شدند و نقشه شوم مدیریت را خنثی کردند. در جریان اعتصاب و تجمع کارگران فولاد مورخ ۲۴ بهمن ۱۴۰۰ نیز مدیریت و نهادهای سرکوب و امنیتی مکرر به تهدید و ارباب کارگران پیشرو از جمله کریم سیاحی متوسل شدند تا کارگران را از اعتراض و تجمع در داخل شهر بازدارند. اما کارگران از تهدیدات نهراسیدند و در ادامه مبارزات خود، مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند و سپس در خیابان‌های شهر اهواز نیز دست به تظاهرات و راهپیمایی زدند.

مادام که مطالبات کارگران برآورده نشده باشد، مبارزه در فولاد نیز ادامه خواهد داشت. از سال ۸۹ که گروه ملی فولاد به بخش خصوصی واگذار شد، آئینده این واحد بزرگ تولیدی نیز در ابهام و نارویشی فرورفت و مشکلات و معضلات کارگران نیز جدی‌تر از گذشته پدیدار شد. در طول ۱۲ سال گذشته، اداره و مدیریت شرکت بارها دست‌به‌دست شده، اما بحران و بلاتکلیفی همچنان ادامه یافته است. هیچ‌گونه تضمین شغلی و چشم‌انداز ادامه کاری برای شرکت وجود ندارد. پس از هر دور اعتصاب و تجمع کارگران برای افزایش دستمزد، طبقه‌بندی مشاغل، تأمین مواد اولیه، تضمین شغلی و ادامه کاری شرکت، تنها برخی اقدامات جزئی و کوتاه‌مدت انجام شده و جز مشتی وعده‌های دروغین چیزی به کارگران داده نشده است. در نتیجه، مشکل بزرگ و اصلی یعنی بلاتکلیفی و خطر تعطیلی گروه ملی فولاد و بیکاری کارگران همچنان پابرجا باقی‌مانده است. تعویض و جابجایی مدیران و اداره‌کنندگان فولاد غیر از اینکه هر بار استثمارگران تازه‌ای به سفره کارگران دستبرد زده، گروه ملی فولاد و کارگران را غارت کرده و جیب‌های خود را پر کرده‌اند، ثمر دیگری برای کارگران نداشته است. نادر جعفر یوسفی که از آبان ۹۸ مدیرعامل این شرکت بود، عین بقیه در همدستی با مقامات عالی‌رتبه حکومتی و مافیای فولاد، پست‌های مدیریتی را میان آشنایان و بستگان خود تقسیم کرد و جز یک‌رشته اقدامات نمایشی مطلقاً هیچ کاری برای کارگران و تضمین ادامه کاری فولاد انجام نداد. کار به آنجا کشید که گروه ملی فولاد در ماه‌های پایانی سال ۱۴۰۰ بار دیگر در معرض خطر تعطیلی قرار گرفت. صدای کارگران در اعتراض به بی‌پاسخ ماندن مطالبات و بلاتکلیفی حاکم بر شرکت زمانی شنیده شد که کارگران در ۲۴ بهمن ۱۴۰۰ بار دیگر وارد خیابان شدند. مدیریت و حراست و دستگاه امنیتی و جاسوسان کارفرما در محل کار بسیار کوشیدند

## سیاست‌های راسیستی جمهوری اسلامی علیه پناجویان ستم‌دیده‌ی افغان

به‌خصوص آن‌که براساس اخبار منتشره از سوی خود رژیم، این سه آخوند در مناطق حاشیه‌ای مشهد فعال بودند. همه می‌دانند که فعالیت آخوندها در این مناطق با دو هدف مشخص است. یکی استخدام مزدور از میان جوانان فقیر و بیکار برای برنامه‌های جنگ‌طلبانه رژیم و دوم سوءاستفاده از فقر زنان و دختران حاشیه‌نشین مشهد برای وادار ساختن آن‌ها به تن‌فروشی، به‌خصوص برای توریست‌های خارجی که پول زیادی از این راه نصیب آخوندها در مشهد می‌شود.

بعد از این ماجرا و تکفیری خواندن "قاتل"، موج حمله به افغان‌های مقیم ایران هم آغاز شد که نشان می‌داد کاری سازماندهی شده است. محمود احمدی بی‌گش نماینده مجلس اسلامی و عضو کمیسیون امنیت ملی در تویتر نوشت: "حمله گستاخانه تبعه افغانی به سه روحانی در صحن حرم مطهر امام رضا، نشان از اتفاقات ناخوشایند توسط مهاجرین بی‌هویت افغانی برای کشور در آینده دارد. حمایت از طالبان منفور لکه ننگی برای ماست. تا دیر نشده باید همه اینها را بدون هیچ دفع‌الوقتی از کشور اخراج کرد. فقط استان تهران توسط یک میلیون و ششصد هزار افغانی محاصره شده است." ابوالفضل ظهروند سفیر پیشین جمهوری اسلامی در افغانستان نیز در گفت‌وگو با سایت رویداد ۲۴ سخنان مشابهی بر زبان آورد. او گفت: "داعش و جریانات تکفیری که متأسفانه در افغانستان و در داخل پاکستان خیلی قوی هستند و تا زمانی که اخراج نشده‌اند ما باید همیشه این را به عنوان تهدید بدانیم".

همچنین موجی هدایت شده از سوی گروه‌هایی مشخص در شبکه‌های اجتماعی با فیلم‌هایی عموماً "جعلی" علیه افغان‌های مقیم ایران و به‌اصطلاح "هجوم افغان‌ها" به ایران منتشر گردید. حتی شایعه کردند که یک دختر ۱۴ ساله یزدی توسط یک افغان ربوده و پس از تجاوز به قتل رسیده است که موضوع به سرعت تکذیب شد. نکته ماجرا در این بود که عموم گروه‌های وابسته به طبقه حاکم چه در داخل حاکمیت، چه در خارج حاکمیت و چه حتماً در خارج از کشور در این سیاست راسیستی و نژادپرستانه ضد افغان هم صدا بودند، در میان آن‌ها البته برخی سعی کردند نظرات راسیستی خود را با توجیهات و روشهای عوام‌پسندانه به مردم بقبولانند.

واقعیت این است که سیاست نژادپرستانه و ضد پناهنده جمهوری اسلامی موضوع جدیدی نیست. سیاستی که به اشکال مختلف تبلیغ شده و به خورد مردم ناآگاه داده شده است. از دیرباز ورود افغان‌ها به برخی از شهرها و استان‌ها ممنوع شده بود. افغان‌های پناهنده، در حالی که

هیچ خدماتی از دولت نمی‌گیرند، مجبورند با کمترین دستمزد، سخت‌ترین کارها را انجام دهند. این در حالی‌ست که همه دولت‌های جهان از سازمان ملل بابت "میزیانی و خدماتی" که به پناهندگان ساکن آن کشور ارائه می‌کنند، پول دریافت می‌کنند.

جمهوری اسلامی و طبقه حاکم در تمام این سال‌ها از حضور افغان‌ها در اشکال گوناگون بهره‌برداری کرده است. بازار کار یک نمونه است که کارگران افغان با دستمزدهای بسیار پایین‌تر از حداقل دستمزد و بدون بیمه از سوی کارفرمایان از جمله پیمانکاران شهرداری‌ها به کار گرفته می‌شوند. در امور درمانی و آموزش و پرورش نیز سیاست راسیستی و تبعیض‌آمیز جمهوری اسلامی بر کسی پوشیده نیست. جمهوری اسلامی همچنین از حضور افغان‌ها در کشور به‌عنوان یک کارت در سیاست خارجی بهره‌برداری می‌کند. یکی دیگر از سوء استفاده‌های جمهوری اسلامی انداختن تقصیر بسیاری از معضلات و نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی بر گردن افغان‌هاست که در روزهای اخیر به‌ویژه شاهد این نوع بهره‌برداری از حضور افغان‌ها در ایران توسط جمهوری اسلامی بوده‌ایم.

روزنامه به‌اصطلاح اصلاح‌طلب شرق در گزارشی بسیار مزورانه همین صدای حاکمیت را بازتاب داده و سعی می‌کند با ظاهری بی‌طرفانه اما کاملاً آگاهانه، بسیاری از مشکلات اقتصادی همچون گرانی مسکن را به حضور پناهندگان افغان نسبت دهد. در گزارش این روزنامه که به قلم فردی به نام "مریم شکرانی" منتشر شده، به‌نقل از منوچهر بهرویان که این "گزارشگر" او را کارشناس اقتصاد مسکن معرفی می‌کند، آمده است: "بحران آب در دهه‌های آینده بسیاری از شهرها و زمین‌های مسکونی ایران را غیرقابل سکونت خواهد کرد و سیل مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران و رشد تقاضای زمین و مسکن در حالی رخ می‌دهد که مساحت زمین‌های قابل سکونت ایران به دلایل مختلف از جمله بحران آب کم و کمتر می‌شود و همین مساله می‌تواند در آینده موجب بحران زمین شود. چنان‌که در همین زمان هم دولت برای تأمین زمین واحدهای مسکن حمایتی با مشکلات متعدد مواجه بوده است".

در ادامه این گزارش با تیتیر "توزیع غیرمستقیم یارانه میان افغانه"، به نقل از آلبرت بغزیان که این روزنامه آن را "اقتصاددان" معرفی می‌کند، آمده است: "مهاجرت بدون ضابطه افغانه به ایران می‌تواند کشور را درگیر کسری بودجه بیشتر کند. در ایران غالب کالاها از آب و انرژی تا غذا و حمل‌ونقل مشمول یارانه می‌شوند و سیل مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران می‌تواند تقاضا برای کالا و خدمات یارانه‌ای را افزایش داده و

در شرایطی که اقتصاد کشور رشد درخور توجهی نداشته، درگیر کسری بودجه شود و از آنجا که محل تأمین کسری بودجه غالباً چاپ پول است، این اتفاق می‌تواند منجر به تورم بیشتر و فقیرتر شدن ایرانی‌ها شود".

اما صریح‌ترین بیان دیدگاه‌های راسیستی در این گزارش متعلق به اکبر شوکت رئیس "کانون سراسری انجمن‌های کارگران ساختمان" است. او در این گزارش وقیحانه مشکلات کارگران ساختمانی را به کارگران افغان نسبت داده و با بیان بیکاری و معضلات حقوقی کارگران ساختمانی ایرانی مدعی می‌شود که بازار کار ساختمانی را کارگران افغان به تصرف درآورده‌اند. او می‌گوید: "برخی کارگران افغانستانی در ایران تبدیل به پیمانکار و کارفرما شده‌اند و این کارفرمایان فقط کارگران هموطن خودشان را سر کار می‌برند... پیشروی افغانستانی‌ها در تسخیر بازار کارگران ساختمانی ایران به حدی بوده است که در برخی فنون مانند نمای سنگ رومی، بازار را کامل از دست ایرانی‌ها خارج کرده و اعداد گزافی برای دستمزد خود طلب می‌کردند... در برخی مشاغل مانند تولید کفش دست‌دوز یا دامداری در شهرهایی مانند قم افغانه کارفرما شده‌اند و بازار را تقریباً به طور کامل از دست ایرانی‌ها گرفته‌اند و ادامه این روند می‌تواند بسیاری از مشاغل کارگری را از دست قشر ضعیف ایران خارج کند".

این گزارش یک نمونه روشن از تفکر راسیستی و تلاش طبقه حاکم و رسانه‌های‌اش در انداختن تقصیر شرایط بد اقتصادی از تورم تا بیکاری بر گردن پناجویان افغان است. اما مردم ایران به‌خوبی می‌دانند که هدف رژیم از این تبلیغات انحراف افکار عمومی از واقعیت‌های جامعه ایران است. البته در این میان افرادی ناآگاه و بخشا لمپن نیز هستند که تحت‌تأثیر شرایط و تبلیغات دست به اقداماتی غیرانسانی علیه افغان‌های ساکن ایران می‌زنند که در روزهای اخیر نمونه‌هایی از این رفتارهای غیرانسانی با افغان‌ها از جمله وادار کردن‌شان به توهین به افغانستان و مردم‌اش و نیز عقاید مذهبی‌شان در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که لازم است مردم در هر کجا در برابر این اقدامات غیرانسانی ایستاده و آن را تقبیح کنند. مردم ایران، عموم کارگران و زحمتکشان، اسیر این روش‌های مزورانه رژیم برای فرار از پاسخ‌گویی به مطالبات توده‌های کار و زحمت نشده و نخواهند شد.

در حالی که فقر بیداد می‌کند و هر روز از قدرت خرید حقوق و دستمزد کارگران و زحمتکشان جامعه کاسته می‌شود، جمهوری اسلامی سعی

در صفحه ۵

**پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر**



## بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت اول ماه مه

### زنده باد همبستگی و رزم مشترک کارگران سراسر جهان

#### رفقای کارگر!

در آستانه اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی و رزم مشترک کارگران تمام کشورهای جهان قرار داریم. اول ماه مه امسال در شرایطی فرارسیده است که تضاد میان قدرت‌های امپریالیست بر سر سلطه اقتصادی و سیاسی بر جهان به شدت حاد شده است. هم‌اکنون امپریالیسم روس و بلوک امپریالیستی اروپائی و آمریکائی بر سر سلطه بر اوکراین وارد جنگی شده‌اند که خطر گسترش و تبدیل آن به یک جنگ جهانی دیگر، این بار اما با کاربرد سلاح ویرانگر اتمی، بشریت را مورد تهدید جدی قرار داده است. میلیتاریسم بیش از هر زمان دیگر اوج گرفته است. تمام قدرت‌های امپریالیست جهان به سرعت در حال افزایش بودجه‌های نظامی و مجهز شدن به پیشرفته‌ترین سلاح‌های کشتار جمعی‌اند. بازار انحصارات تسلیحاتی رونق بی‌سابقه‌ای گرفته است. هزینه‌های نظامی سالانه دولت‌های سرمایه‌داری جهان، مدت‌هاست که از دو تریلیون دلار بسیار فراتر رفته است. پوشیده نیست که هزینه‌های سنگین رشد میلیتاریسم بر دوش کارگران و زحمتکشان قرار دارد و سطح معیشت آن‌ها را شدیداً تنزل داده است. اما مسئله به همین‌جا ختم نمی‌شود. تمام جهان سرمایه‌داری در یک بحران عمیق اقتصادی گرفتار است. حتی پیشرفته‌ترین و ثروتمندترین کشورهای سرمایه‌داری با یک رکود مزمین عمیق مواجه‌اند. در همین حال، بهای کالاهای موردنیاز روزمره توده‌های زحمتکش در طول چند ماهی که از سال جاری میلادی می‌گذرد، ۵۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش یافته و نرخ تورم در این کشورها رسماً حدود ده درصد اعلام شده است. نتیجه این بحران رکود-تورمی، افزایش بیکاری و تنزل سطح معیشت کارگران شاغل و فقر گسترده‌تر بوده است. بنابراین، به‌رغم بمباران تبلیغات شوونیستی، نژادپرستانه و جنگ‌طلبانه طبقات حاکم سرمایه‌دار در این کشورها به‌قصد فریب و تحکیم اسارت کارگران و زحمتکشان، تضاد میان کارگران و سرمایه‌داران در حال تشدید شدن است و به‌زودی موج مبارزه و اعتلای جنبش کارگری علیه جنگ و وخامت اوضاع مادی و معیشتی، سراسر جهان حتی پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری را فرا خواهد گرفت. تأثیر این جنگ و بحران اقتصادی بر کشورهای فقیرتر جهان با میلیاردها جمعیت، فاجعه‌بار خواهد بود و پی‌آمد آن فقر و بیکاری بی‌سابقه‌ای است که حتی به اذعان سازمان‌های بین‌المللی وابسته به بورژوازی جهانی، بار دیگر شورش‌ها و قیام‌ها این کشورها را که حلقه‌های ضعیف‌تر جهان سرمایه‌داری‌اند، فرا خواهد گرفت.

کارگران ایران نیز که زیر فشارهای متعدد ستم اقتصادی و سیاسی، استثمار بی‌رحمانه، سرکوب و بی‌حقوقی قرار دارند، اکنون چندین سال پیاپی است که به مبارزه‌ای پیگیرانه علیه نظم سرمایه‌داری حاکم بر ایران برخاسته‌اند. تعداد مواردی که کارگران به‌ویژه از سال ۹۶ در هرسال به اشکال متعددی از مبارزه روی آورده‌اند، در تمام جهان کمتر نمونه دارد. این مبارزات گاه به درجه‌ای رادیکال شده است که کارگران با طرح شعار نان، کار، آزادی، اداره شورایی بدیل خود را در برابر نظم ارتجاعی حاکم به میان کشیده‌اند. کارگران تنها در طول یک سال گذشته صدها اعتصاب، تجمع اعتراضی، مسدود ساختن جاده‌های بین‌المللی و تظاهرات برپا کردند.

تجمع و اعتصاب سراسری شاغلین رسمی نفت در بیست اردیبهشت در چندین شهر، اعتصاب و تجمع هزاران تن از کارکنان رسمی نفت در تهران و چندین شهر و مناطق عملیاتی و سکوهای دریایی در ۵ خرداد، اعتصاب سراسری کارگران پیمانی و پروژه‌های نفت و گاز و پتروشیمی که از ۳۰ خرداد آغاز شد و بیش از دو ماه ادامه داشت، ده‌ها تجمع، راهپیمایی، تظاهرات و اعتصابی که دو ماه ادامه یافت توسط کارگران نیشکر هفت‌تپه برای لغو واگذاری شرکت به بخش خصوصی، اعتصاب و تجمع و ایجاد راهبندان و راهپیمایی ۱۴۰۰ کارگر معدن کرومیت آسمی نون منوجان در فروردین، اردیبهشت و آذرماه، اعتصاب و تجمع بیش از ۲۰۰۰ کارگر مجتمع مس سونگون ورزقان در اعتراض به‌احتمال واگذاری معدن به بخش خصوصی، اعتصاب پیکارچه و گسترده کارگران ۷ معدن زغال‌سنگ کرمان زیرپوشش بخش خصوصی در مهرماه و اعتصاب متحدانه ۳۵۰۰ کارگر معادن زغال‌سنگ زرنده، کوهبنان و راور کرمان زیرپوشش دولت در آبان ماه، تظاهرات خیابانی و تجمع اعتراضی کارگران گروه ملی فولاد با شعار "کارگران بیدارند از استثمار بیزارند"، تجمعات مکرر کارگران برق، تنها چند نمونه از مبارزات قهرمانانه کارگران در فاصله ماه مه ۱۴۰۰ تا به امروز است. این مبارزات بازتاب تشدید مبارزه طبقاتی و تلاش کارگران برای برانداختن نظم سرمایه‌داری حاکم است.

با این وجود، به‌رغم تمام مبارزاتی که کارگران در یک سال گذشته داشته و گاه در تحقق مطالبات خود پیروز شده‌اند، اما نه‌فقط شرایط معیشتی کارگران بهبود نیافته، بلکه وخیم‌تر هم شده است. استثمار کارگران تشدید شده است، دستمزد واقعی کارگران در نتیجه تورم افسارگسیخته مدام کاهش یافته و هم‌اکنون اکثریت بزرگ کارگران در زیرخط فقر زندگی می‌کنند. در همین حال، در نتیجه ادامه و تعمیق بحران اقتصادی ده‌ها هزار کارگر شغل خود را از دست داده و به ارتش میلیونی بیکاران پیوسته‌اند. رژیم ارتجاعی پاسدار نظم سرمایه‌داری که هیچ راه‌حلی برای بحران‌های عمیق اقتصادی-اجتماعی و سیاسی جامعه ایران و پاسخ به مطالبات کارگران و توده‌های زحمتکش مردم ایران ندارد، بر شدت سرکوب و اختناق افزوده و به‌دفعات نیروی سرکوبگر پلیس را به مقابله با اعتراضات کارگران گسیل کرده است. گروهی از فعالان کارگری را اخراج و حتی به حبس محکوم کرده است. تمام این واقعیت‌ها به‌وضوح نشان می‌دهند که راه نجاتی برای کارگران از عواقب فاجعه‌بار نظم سرمایه‌داری حاکم و دولت دینی استبدادی پاسدار نظم سرمایه‌داری جز تشدید مبارزه برای سرنگونی این نظم ارتجاعی وجود ندارد.

اما تجربه به‌وضوح نشان داده است که اگر رژیم به‌رغم مبارزات پیگیرانه کارگران و زحمتکشان ایران توانسته به حیات ننگین خود ادامه دهد، ضعف تشکل و آگاهی کارگران است. طبقه کارگر فاقد تشکل‌های سراسری است. مبارزات کارگران به‌رغم این‌که گاه در رشته‌های

## سیاست‌های راسیستی جمهوری اسلامی علیه پناهجویان ستم‌دیده‌ی افغان

می‌کند به هر ابزاری متوسل شود تا چند روزی به عمر خود بیافزاید. بر همگان روشن است که بحران اقتصادی رکود - توری که مدام بر عمق و شدت آن افزوده می‌شود و عامل اصلی گرانی و بیکاری می‌باشد، هیچ ربطی به پناهجویان افغان ندارد و مضحک است که گرانی افسارگسیخته و بیکاری حداقل ده میلیونی بویژه جوانان را به پناهجویان افغان نسبت داد.

بخش بزرگی از مردم افغانستان نیز این را به‌خوبی دریافته‌اند که نه کارگران و زحمتکشان ایران که این جمهوری اسلامی است که به تفرقه و ایجاد دوستگی بین توده‌های ستم‌دیده‌ی ایران و افغانستان دامن می‌زند. تظاهرات در برابر سفارت جمهوری اسلامی در کابل و کنسولگری آن در هرات و به آتش کشیدن درب کنسولگری نشان می‌دهد که مردم افغانستان به‌درستی جمهوری اسلامی را عامل آزار و اذیت افغان‌های پناهجو می‌دانند.

این حق مردم افغانستان است که به‌مخاطر شرایط فاجعه‌بار حاکم بر افغانستان چه قبل از طالبان و چه امروز که طالبان بر سریر قدرت است، برای نجات جان خود و برای حقوق انسانی خود، به کشورهای دیگر پناه ببرند، اما برخلاف ادعای جمهوری اسلامی در مورد پذیرش پناهجویان افغان، واقعیت این است که سیاست پناهندپذیری جمهوری اسلامی یکی از راسیستی‌ترین سیاست‌ها در جهان معاصر است. جمهوری اسلامی حاضر نیست حتی به کودکانی که مادرشان ایرانی اما پدرشان افغان است شناسنامه ایرانی بدهد!! کارگران افغان حتی از حداقل‌های قانونی در نظام جمهوری اسلامی هم محروم هستند، همان حداقلی که چند برابر کمتر از خط فقر است.

جمهوری اسلامی عامدانه دست کارفرمایان و پیمانکاران را برای استثمار وحشیانه کارگران افغان باز گذاشته است. کارگران افغان باید به مانند کارگران ایرانی از دستمزد و حقوق برابر برخوردار باشند. اما نظام سرمایه‌داری حاکم که تنها سود برای‌اش اهمیت دارد، به این موضوع حتی فکر هم نمی‌کند. او فقط به این فکر می‌کند که چگونه می‌تواند دستمزد کمتری بدهد و چگونه تا کجا می‌تواند نیروی کار را ارزان‌تر و پایین‌تر از ارزش‌اش بخرد. این خواست و مساله سرمایه‌داران است که کاملاً با سیاست جمهوری اسلامی همسو و همراه است.

توده‌های ستم‌دیده‌ی ایران که سال‌ها ستم یک رژیم سرمایه‌داری قرون وسطایی مذهبی را تجربه کرده‌اند، همدرد توده‌های ستم‌دیده افغان هستند، دردشان مشترک است و راه حل این درد



## بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت اول ماه مه

### زنده‌باد همبستگی و رزم مشترک کارگران سراسر جهان

معین به شکلی سراسری رخداده، عموماً جدا از یکدیگر و پراکنده‌اند. باید برای غلبه بر این ضعف تلاش نمود. باید به مبارزه شکلی سراسری داد. این وظیفه‌ای بزرگ بر دوش بخش پیشرو و آگاه جنبش کارگری، فعالان و سازمان‌های کمونیست است. باید در تمام کارخانه‌ها و مؤسسات تولیدی و خدماتی کمیته‌های مخفی کارخانه و اعتصاب را ایجاد و گسترش داد. باید برای ایجاد کمیته‌های هماهنگی میان مبارزات کارخانه‌ها و رشته‌های مختلف و تبدیل مبارزات به مبارزه‌ای سراسری تلاش نمود. باید برای برپائی اعتصاب عمومی و سرتاسری سیاسی که پیش‌شرط سرنگونی طبقه سرمایه‌دار حاکم و تأمین هژمونی طبقه کارگر در جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی است، تلاش نمود. طبقه کارگر فقط برای تحقق مطالبات و اهداف خود نیاز به یک انقلاب اجتماعی ندارد. نجات عموم توده‌های زحمتکش مردم ایران از ستمگری‌های جمهوری اسلامی و نظم ستمگرانه حاکم در گرو برپائی انقلابی است که نیروی محرکه و رهبر آن طبقه کارگر ایران است.

رفقای کارگر!  
اول ماه مه را در همبستگی با کارگران سراسر جهان دست از کار بکشیم و با برپائی تجمع‌ها و تظاهرات، این روز را به نقطه عطفی برای سرنگونی نظم سرمایه‌داری حاکم تبدیل کنیم.

سازمان فدائیان (اقلیت) اول ماه مه روز همبستگی بین‌المللی کارگران جهان را به طبقه کارگر تبریک می‌گوید و سالی سرشار از مبارزه و پیروزی را برای برپائی یک انقلاب کارگری و استقرار نظمی سوسیالیستی که تنها راه نجات کارگران است، آرزو می‌کند.

### زنده‌باد اول ماه مه روز همبستگی و رزم جهانی کارگران تمام

#### کشورهای جهان

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه‌داری

زنده‌باد آزادی - زنده‌باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی




**رژیم جمهوری اسلامی**  
را باید با یک اعتصاب  
عمومی سیاسی و قیام  
مسلحانه بر انداخت.

**کار - نان - آزادی**  
**حکومت شورایی**

سازمان فدائیان (اقلیت)

## اعلايه شورای همکاري نیروهای چپ و کمونیست



### بمناسبت اول ماه مه ۲۰۲۲ (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر

کارگران جهان در شرایطی به استقبال اول ماه مه میروند که هنوز از زیر فشار سیاست‌های اعمال ریاضت اقتصادی و پیامدهای دهشتناک پاندمی کرونا، کمر راست نکرده اند که دولتهای سرمایه داری بار دیگر جهان را وارد جنگ و دورانی پرمخاطره و سرنوشت ساز کرده اند.

در شرایط کنونی سرمایه داری جهانی بیشتر از هر دورانی درگیر بحران ساختاری اقتصادی و رقابت و جنگ و ناامنی، در سراسر جهان است. در نتیجه این شرایط طبقه کارگر جهانی و بشریت محروم در سراسر کره زمین، فقر و فلاکت و بیکاری بیشتر را تجربه می‌کند و با تنگناهای اقتصادی و کشتار و بی‌خانمانی و گرسنگی و مشقات فراوانی روبرو می‌باشند. سرمایه داری بنا به ماهیت‌اش برای عبور از بحران و رونق مجدد بازار سود و سرمایه با پیش‌برد سیاست‌های ریاضت اقتصادی تلاش می‌کند بار این بحران را بردوش طبقه کارگر و زحمتکش‌شان قرار دهد. با شروع پاندمی کرونا و اکنون جنگ در اکراین، این شرایط تشدید شده و هزینه جنگ، میلیتاریسم، بحران اقتصادی و گرانی فزاینده هزینه‌های زندگی را باید نیروی کار و زحمت پردازند.

این یک جنگ امپریالیستی و ارتجاعی است که همه سویه‌های درگیر در آن بدنبال منافع خود هستند. هم‌اکنون دولت‌ها و سیاستمداران بورژوا، با تهدید و استفاده از سلاح‌های بیولوژیکی و شیمیایی و اتمی، نفس‌ها را در سینه مردم جهان حبس کرده‌اند. اگر یک هدف اساسی این جنگ، بازتعریف نظم جدید جهانی و تعیین جایگاه و حوزه نفوذ قدرتهای سرمایه داری و میلیتاریزه کردن جهان است، هدف دیگر آن تحمیل عقب‌گردهای گسترده به طبقه کارگر و دستاوردهای جوامع بشری است. سیاست شرکت در جنگ و حمایت از یکی از بلوکها و دولت‌های درگیر، سیاستی سوسیال شوونیستی و ناسیونالیستی است. هریک از طرفین درگیر در این جنگ پیروز شوند، بازنده‌اش، کارگران جهان و مشخص‌تر کارگران و مردم کشورهای درگیر جنگ هستند. طبقه کارگر خواهان توقف فوری جنگ است. این سیاست اما تنها با عمل اعتصابی و اعتراضی ممکن است که فی الحال هم طبقه‌های‌ای‌های ما در ایتالیا و اسپانیا و یونان و بلاروس با واکنش‌های اعتراضی خود علیه جنگ آغاز کرده‌اند. بی تردید تغییر این شرایط نیازمند پاسخ طبقاتی و گسترش اعتراضات انترناسیونالیستی طبقه‌کارگر و زحمتکش‌ان منطقه و جهان است.

طبقه کارگر ایران به عنوان بخشی از طبقه کارگر جهانی در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر می‌رود که در قیاس با کشورهای مشابه در بدترین شرایط زیستی و معیشتی قرار دارد و با نا امنی شغلی، بیکاری وسیع و تورم افسارگسیخته، فقر و فلاکت اقتصادی روبرو است. با این حال مبارزات کارگری در برابر این وضعیت، پیوسته گسترش می‌یابد. بیش از دوهزار اعتصاب و اعتراض تنها در سال گذشته، نمادی از مقاومت کارگران در برابر این شرایط است. مبارزه کارگران پیمانی نفت و پتروشیمی، اعتراضات پرستاران، مبارزه بی وقفه کارگران هفت تپه و فولاد و نیز اعتراضات فزاینده و سراسری معلمان و بازنشستگان که با حضور گسترده زنان همراه بوده، نمونه‌هایی هستند از روند گسترش باینده مبارزات کارگری. برآمد چندین خیزش بزرگ توده‌ای طی سال‌ها و ماه‌های گذشته، همانند خیزش‌های دی ماه و آبان و اعتراضات تهیدستان در خوزستان و کشاورزان اصفهان و نیز گسترش و تداوم مبارزات کارگران، نشان دهنده امکان گشایش‌های بزرگ سیاسی در جامعه ایران است. این امر تنها در صورتی امید بخش است که طبقه کارگر در مرکز این تحولات قرار گرفته و زمینه‌ساز تحقق آزادی و سوسیالیسم و پایان دادن به تبعیض و نابرابری و استثمار باشد.

در اول ماه مه امسال، طبقه کارگر و مردم تحت ستم، تبعیض و استثمار در ایران و کشورهای مختلف، باید علیه نظام و حکومت‌های سرمایه داری به میدان بیایند، ادعای انقلابی خود را علیه نظم ویرانگر کنونی اعلام کنند، با صدای بلند علیه جنگ امپریالیستی و اهداف ارتجاعی آن حرف بزنند و پرچمدار واقعی توقف فوری جنگ شوند. همچنین ضروری است که سازمانها، نهادها و اتحادیه‌های کارگری با طرح شعار "قطع بیدرنگ جنگ"، "علیه جنگ سرمایه داران، علیه میلیتاریسم"، اکثریت مردم مخالف جنگ را به میدان بیاورند.

شورای همکاري نیروهای چپ و کمونیست ضمن تبریک اول ماه مه به همه کارگران و آزادیخواهان جهان، کارگران ایران را به برگزاری گسترده مراسم‌های اول مه، اعلام تنفر از جنگ امپریالیستی، افشاء ماهیت ارتجاعی جنگ سرمایه داران، طرح خواسته‌های کلیدی از جمله دستمزد و حقوق پایه متناسب با یک زندگی انسانی، تشکل‌های مستقل و خودگردان کارگری، تحقق آزادی‌های سیاسی و دمکراتیک برای همگان، رهایی زنان از قید و بندهای پدر/مردسالاری و آزادی کلیه زندانیان سیاسی فرامی‌خواند.

**کارگران جهان متحد شوید!**  
**نه به جنگ امپریالیستی، نه به میلیتاریسم!**  
**زنده باد همبستگی بین‌المللی کارگران! لملی**  
**زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!**

۱۱ آوریل ۲۰۲۲ / ۲۲ فروردین ۱۴۰۱

امضا: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

## خامنه ای در برزخ مذاکرات احیای برجام

بهمن ماه گذشته توسط سعید جلیلی، نماینده خامنه ای در شورای عالی امنیت ملی و مسئول پرونده هسته ای ایران در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد صورت گرفت. در ۱۲ بهمن ۱۴۰۰، برخی رسانه های داخل ایران از ارسال نامه ی ۲۰۰ صفحه ای سعید جلیلی به خامنه ای خبر دادند. نامه ای که در آن جلیلی با درخواست از رهبر جمهوری اسلامی خواستار خروج ایران از برجام و افزایش میزان غنی سازی اورانیوم "حتی تا ۹۰ درصد" شده بود.

بعد از علنی شدن نامه جلیلی، اعتراضات نسبت به روند مذاکرات وین در درون نمایندگان مجلس ارتجاع شتاب گرفت. در سوم اسفند ۱۴۰۰، نمایندگان مجلس رژیم با استناد به قانون "اقدام راهبردی تحریم ها و صیانت از منافع ملت ایران" که در دوره حسن روحانی تصویب و بر اساس آن تیم مذاکره کننده موظف می شد محتوای مذاکرات را در اختیار نمایندگان بگذارد، مجلس ارتجاع اسلامی نسبت به بی خبری از روند مذاکرات وین اعتراض کرد. نمایندگان اعلام کردند: "مجلس هیچ اطلاعی از جزئیات مذاکرات وین ندارد و همه چیز با نظر شورای عالی امنیت ملی پیش می رود". روزنامه شرق نیز در همان تاریخ نوشت: "نمایندگان مجلس در جریان مذاکرات دولت سیزدهم در وین نیست و همین امر سبب افزایش نقدها به مذاکرات شده است".

یک ماه بعد، اعتراض علی خضریان، مبنی بر اینکه تیم مذاکره کننده از خطوط قرمز جمهوری اسلامی عبور کرده است، بازتاب وسیعی در میان نیروهای "ولایی" نظام یافت و پیشبرد روند مذاکرات وین را برای کابینه رئیسی و به تبع آن برای علی خامنه ای دشوار کرد.

علی خضریان، نماینده اصولگرای مجلس، روز ۱۱ فروردین ۱۴۰۱، در یک پست اینستاگرامی نوشت: "آنچه تاکنون در متن ۲۷ صفحه ای پیش نویس توافق حاصل شده است، حاکی از عدم تحقق خطوط قرمز نظام، و بر خلاف قانون مجلس و تحمیل خسارت جدید به منافع ملی است. بطوری که در این متن شاهد عدم تضامین عملی و واقعی برای رفع تحریم ها و عدم وضع تحریم جدیدی علیه ملت ایران هستیم". خضریان در ادامه یادداشت خود یادآور شد: "در پیش نویس ۸ مارس (۱۷ اسفند ۱۴۰۰) تعهدات آمریکا به بعد از اقدامات ایران موکول شده است و امکان راستی آزمایی رفع تحریم ها نیز برای ایران پیش بینی نشده است".

با این همه و به رغم مخالفت هایی از این دست که چه پیش و چه بعد از توقف دو ماهه مذاکرات وین در لایه هایی از درون حاکمیت صورت گرفته است، روز ۲۱ فروردین، ۲۵۰ نماینده مجلس ارتجاع اسلامی با ارسال نامه ای به رئیسی، ضمن "تشکر از تلاش های" او و "هیات مذاکره کننده برای رفع مشکلات مربوط به توافق هسته ای"، نسبت به عدم گرفتن تضمین های لازم برای رفع تحریم ها هشدار دادند. این تعداد از نمایندگان مجلس در پایان نامه حمایتی خود به ابراهیم رئیسی یادآور شده اند: مجلس

شورای اسلامی از هر گونه توافقی که با رعایت قانون مجلس و خطوط قرمز ترسیم شده نظام، مناقع ملت ایران را تضمین کند، حمایت خواهد کرد". (تاکید از ما است).

نامه ۲۵۰ نماینده مجلس به ابراهیم رئیسی و حمایت مشروط آنان از روند مذاکرات هسته ای را باید به حساب یک توافق صوری و پشت پرده مجلس ارتجاع با کابینه رئیسی گذاشت. چرا که نمایندگان مجلس با آگاهی از اینکه دو روز بعد به همراه کابینه رئیسی به دیدار خامنه ای خواهند رفت، با نوشتن این نامه حمایتی سعی کردند خود را از واکنش های عتاب آمیز خامنه ای دور نگه دارند. چرا که با توجه به موضع گیری های پیشین گروهی از نمایندگان مجلس و مخالفت های آشکار آنان با مذاکرات وین، می دانستند با توپ و تشر خامنه ای مواجه خواهند شد. در واقع ۲۵۰ نماینده مجلس با ارسال چنین نامه ای سعی کردند به طور موقت هم که شده خود را از تیر رس عتاب رهبر نظام دور نگه دارند و در حد ممکن جاده برزخی و ناهموار مذاکرات هسته ای را برای خامنه ای هم اندکی هموار کنند.

با این همه، سخنان خامنه ای و دفاع آشکار او از رئیسی و تیم مذاکره کننده هسته ای را نباید همیشگی و پایدار دانست. خامنه ای در تمامی سال های مذاکرات هسته ای، هر جا که روند مذاکرات به نفع او بوده، نتایج آن را به پای خود نوشته و هر زمان که نتیجه مطابق میل او پیش نرفت، خود را از مسئولیت و پاسخگویی کنار کشیده است. خصوصاً هر گاه نتیجه مذاکرات و توافق نهایی با نارضایتی آشکار لایه های پر قدرت حکومتی مواجه شده است، خامنه ای خود را از هر خطایی میرا کرده و دولت و تیم مذاکره کننده را به عبور از خطوط قرمز نظام متهم کرده است. در حالی که همگان می دانند تصمیم گیرنده اصلی روند مذاکرات هسته ای فقط شخص خامنه ای است و بدون تایید نظر او حتی یک بند از مذاکرات هسته ای نیز مورد توافق واقع نمی شود.

در واقع سخنان تمجید آمیز خامنه ای از تیم مذاکره کننده فعلی را باید در راستای همان سیاست متعارف او در مواجهه با کابینه های مختلف دانست. فراموش نکنیم، خامنه ای عین همین جملات ستایش آمیز را به دفعات در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد و حسن روحانی

نیز به کار برده است. در دوران حسن روحانی، هر گاه اعلام مخالفت با روند مذاکرات و تیم مذاکره کننده هسته ای در درون لایه هایی از حاکمیت شتاب می گرفت، خامنه ای با همین شدتی که اکنون از تیم مذاکره کننده فعلی دفاع کرده است، از ظریف و تیم مذاکره کننده قبلی هم دفاع می کرد.

ظریف و تیم مذاکره کننده هسته ای دوران حسن روحانی که اکنون مورد غضب خامنه ای قرار گرفته اند، در روزگاری نه چندان دور بیش از تیم فعلی مورد وثوق رهبر جمهوری اسلامی بودند. خامنه ای به همان گونه که اکنون از تیم مذاکره کننده کابینه رئیسی ابراز رضایت می کند، پیش از این از محمد جواد ظریف و تیم مذاکره کننده او با کلماتی همانند امین، غیور، شجاع و متدین یاد می کرد.

"بنده هیئت مذاکره کننده را - همین دوستانی که این مدت زحمات را بر دوش گرفته اند- هم امین می دانم، هم غیور می دانم، هم شجاع می دانم، هم متدین می دانم؛ این را همه بدانند. اکثر حضاری که اینجا تشریف دارید، از محتوای مذاکرات خبر ندارید؛ اگر شما هم از محتوای مذاکرات و جزئیات مذاکرات و آنچه در مجالس می گذرد مطلع بودید، به بخشی از آنچه بنده گفتم، حتما اذعان می کردید... این ها مردمانی هستند متدین و امین؛ این ها امینند؛ قصدشان این است که کار کشور را پیش ببرند، گره را باز کنند و دارند تلاش می کنند برای این کار. انصافاً غیرت ملی هم دارند، شجاعت هم دارند". (دیدار مسئولان نظام با خامنه ای - دوم تیر ۱۳۹۴)

با مقایسه سخنان خامنه ای در دو تاریخ فوق، به روشنی می توان دریافت، تعریف و تمجیدی را که او در روز سه شنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۱ از تیم مذاکره کننده فعلی به عمل آورد، به مراتب کم رنگتر از سخنان ستایش آمیز او از ظریف و تیم مذاکره کننده پیشین در تیر ماه ۹۴ بوده است. خامنه ای در سخنان اخیر خود به رغم اینکه مسئولان مذاکرات هسته ای کنونی را افرادی انقلابی، متدین و پر جد و جهد خواند، اما با گفتن اینکه مذاکرات تا این لحظه به خوبی پیش رفته است، راه را برای برزخ مذاکرات هسته ای که اکنون در آن گرفتار است، باز گذاشت، تا چنانچه مذاکرات کنونی شکست خورد یا جمهوری اسلامی به نتیجه مطلوب نرسید، خود را تیرئه کرده و همانند دوران حسن روحانی همه تلخکامی ها، شکست یا نتیجه نامطلوب مذاکرات را به گردن ابراهیم رئیسی و تیم مذاکره کننده فعلی بیاندازد.



## خامنه ای در برزخ مذاکرات احیای برجام

خامنه ای، روز سه شنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۱، در دیدار با مسئولان حکومتی از جمله رئیسی و اعضای کابینه او، طی سخنانی با ابراز رضایت از "مقاومت" در مقابل آنچه که "زیاده خواهی" طرف مقابل در مذاکرات هسته ای خواند، خواستار ادامه روند کنونی در مذاکرات احیای برجام شده است. خامنه ای با اشاره به جهت گیری "خوب دیپلماسی کشور"، مقام های آمریکایی را به "بدعهدی" متهم کرد و با توجه به زمره های به بن بست رسیدن مذاکرات هسته ای در درون لایه هایی از حاکمیت گفت: "آن ها به بن بست رسیده اند، ما به بن بست نرسیده ایم". خامنه ای همچنین مسئولان مذاکرات هسته ای کنونی را، "انقلابی، متدین و پر جد و جهد"

خواند و به رغم تاکید بر اینکه مذاکرات تا این لحظه به خوبی پیش رفته است، از دولت خواست که "مطلقاً معطل مذاکرات هسته ای" نشوند و کار خودشان را پیش ببرند. (تاکید از ما است) با تکیه بر همین بخش از سخنان خامنه ای و تعریف و تمجید او از تیم مذاکره کننده هسته ای، به روشنی می توان دریافت که سخنان او به نوعی واکنش نسبت به تشدید زمره های مخالفت با روند مذاکرات احیای برجام است که طی ماه های اخیر از طرف برخی از نیروهای "ولایی" درون حاکمیت علنی و رسانه ای شده اند.

اولین مخالفت رسمی با روند مذاکرات وین در

در صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](http://kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 966 April 2022



[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان های زحمتکش، شریف و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

## اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین وسیله به اطلاع شما می رسانیم که تلویزیون دمکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره ای ۲۴ ساعته تلویزیون آترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دمکراسی شورایی به همراه تلویزیون های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه های خود را بر روی این کانال ماهواره ای پخش خواهد کرد. برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه های اجتماعی فیس بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی بدین قرار می باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه های خود را از ماهواره یاه ست پخش می کند.

مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی آترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: ۳/۲

مشخصات جدید تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی

**Alternative Shorai**

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: [shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-minority.org> ، <https://tvshora.com>

فیس بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی